مجله برنامه و بودجه، شمارهٔ ۱۳ و ۱۴، ص. ۴۷-۷۴.

تعیین مالیات تورمی در اقتصاد ایران*

نویسنده: علی‌اصغر اسماعیل‌نیا*

چکیده

یکی از علتهای بنیانی رشد قیمتها در ایران، عدم توازن در ساختار بودجه دولت و کشش‌ناپذیری درآمدهای مالیاتی نسبت به رشد درآمد ملی است. در فرایند رشد اقتصادی، درآمدهای مالیاتی متناسب با رشد درآمد ملی افزون نگردیده است. در مقابل، مخارج عمومی، به دلیل مشارکت دولت در برنامه‌های توسعه، سریعاً افزایش یافته، و این امر، کسری بودجه را به دنبال داشته است. تأمین کسری بودجه دولت، عمدتاً از طریق استقراض از بانک مرکزی و خلق پول پرقدرت بوده است، به گونه‌ای که دولت با افزایش پایه پولی مقادیر خاصی از منابع موجود در اقتصاد را در اختیار خود گرفته و با استفاده از حق قانونی و انحصاری خود برای چاپ اسکناس، ضمن ایجاد درآمد از طریق حق‌الضرب، موجب افزایش حجم پول، و در نهایت، تورم در جامعه شده است. این تورم، ارزش پولی را که توسط مردم نگهداری می‌شود کاهش داده، و بدین وسیله، به واسطه ایجاد پول جدید، مالیاتی را بر مردم تحمیل نموده است که در اصطلاح، به آن مالیات تورمی می‌گوییم.

مقدمه

تأثیر سیاستهای پولی بر متغیرهای کلان اقتصادی، از مهمترین مسائلی است که در اقتصاد پولی بیشترین پژوهشها را به خود اختصاص داده است. نقش اصلی سیاستهای پولی، تنظیم و مهار حجم نقدینگی موردنیاز، هماهنگ با رشد امکانات تولیدی هر کشور است. در این چارچوب، سیاستگذاران پولی با تنظیم و کنترل حجم نقدینگی، بر رفتار عاملان اقتصادی تأثیر می‌گذارند، و

---

* این مقاله بر گرفته از پایان‌نامه نگارنده تحت عنوان *حق‌الضرب پول و تورم*، به راهنمایی دکتر اکبر کمیجانی، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران (سال ۱۳۷۵) می‌باشد.

*کارشناس دفتر هماهنگی امور شرکتهای سازمان برنامه و بودجه

از این طریق، سایر بخشهای اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

یکی از این سیاستها، که نقش اساسی در ساختار اقتصادی کشور دارد، سیاست "استقراض دولت از بانک مرکزی" و خلق پول جدید برای تأمین کسری بودجه می‌باشد. تأمین کسری بودجه از طریق خلق پول پرقدرت بر حجم پول، رشد نقدینگی، و در نتیجه تورم، آثار انبساطی دارد.

در ایران، استقراض دولت از بانک مرکزی و خلق پول جدید، یکی از سازوکارهای تأمین کسری بودجه به وسیله دولت بوده است. سیاست "استقراض دولت از بانک مرکزی" یکی از ساده‌ترین روشهای تأمین درآمد توسط دولت می‌باشد که اثر شدیدی را بر ساختار اقتصادی جامعه می‌گذارد. یکی از اثرهای این سیاست که تاکنون به نحوی شایسته مورد توجه قرار نگرفته، "مالیات تورمی" می‌باشد.

بحث مالیات تورمی و کسب درآمد توسط دولت از محل چاپ پول، به این دلیل مطرح می‌شود که دولت از حق قانونی خود برای انتشار پول استفاده می‌نماید و کسری بودجه خود را با انتشار پول و افزایش پایه پولی، تأمین مالی می‌کند. این نوع تأمین مالی موجب می‌شود که دولتها با انتشار پول و افزایش پایه پولی، مقادیر مشخصی از منابع موجود در اقتصاد را در اختیار خود بگیرند. به این منبع درآمد *حق‌الضرب پول*[1] می‌گویند. در متون و نوشته‌های پولی، این اصطلاح، مترادف *مالیات تورمی* به کار گرفته می‌شود.

در این مقاله، با استفاده از تعریفهای گوناگونی که تاکنون ارائه شده، به تعیین میزان مالیات تورمی در ایران، می‌پردازیم.

۱. مفهوم مالیات تورمی (حق‌الضرب پول)

بحث مالیات تورمی عمدتاً برخاسته از توانایی دولت در چاپ پول پرقدرت و استفاده از حق‌الضرب پول می‌باشد. به دلیل آنکه افزایش سایر منابع درآمدی دولتها عمدتاً با موانع و مشکلات بسیاری همراه است، دولتها برای تأمین کسری بودجه خود به استقراض از بانک مرکزی روی می‌آوردند. استقراض از بانک مرکزی و خلق پول پرقدرت، به مثابه افزایش در پایه پولی است که افزایش حجم پول را به دنبال دارد. ورود این پول به جریان مخارج دولت، موجب

1. Seigniorage

بالارفتن سطح عمومی قیمتها، و در نتیجه، ایجاد تورم می‌گردد.

تورم ناشی از افزایش حجم پول، باعث کاهش ارزش پول می‌گردد که به مانند مالیاتی است که بر صاحبان پول در جامعه تحمیل می‌شود. به سخن دیگر، هنگامی که دولت برای تأمین کسری بودجه، از انتشار پول استفاده می‌نماید، انتشار پول جدید، موجب می‌گردد که مردم پول بیشتری را برای خرید کالاها و خدمات نگهداری نمایند. افزایش در پول نگهداری شده توسط مردم، به منظور جبران اثر تورم ناشی از انتشار پول، صورت می‌گیرد. وقتی مردم بخواهند برای جبران اثر تورم، پول بیشتری نگهداری نمایند، باید سهم بیشتری از درآمد مردم به صورت پول نگهداری شود. بدین لحاظ، عملکرد تورم دقیقاً همانند مالیات می‌باشد، زیرا تورم مردم را مجبور می‌سازد تا از خرج کردن مقداری از درآمدشان صرف‌نظر نمایند و آن را برای جبران اثر پول ایجاد شده توسط دولت صرف نمایند. ولی یک تفاوت اساسی بین درآمد حاصل از مالیات و درآمد حاصل از تورم وجود دارد. سیاست تأمین مالی کسری بودجه از طریق انتشار پول، سیاست ناعادلانه‌ای است، زیرا بار آن، به صورت ناعادلانه بین قشرهای مختلف جامعه توزیع می‌گردد. بنابراین، با ایجاد تورم به سبب انتشار پول، مردم منابع کمتری نسبت به گذشته، و دولت نیز منابع بیشتری نسبت به گذشته برای هزینه نمودن نزد خود خواهند داشت. این روش تأمین مالی کسری بودجه دولت که به ویژه در کشورهای در حال توسعه به کار گرفته می‌شود را در اصطلاح، پولی کردن کسری می‌نامند. دولتها می‌توانند با انتشار پول و افزایش پایه پولی، مقادیر مشخصی از منابع موجود در اقتصاد را در اختیار خود بگیرند. این منبع درآمد که حق‌الضرب پول نامیده می‌شود، در واقع، توانایی دولت را در افزایش درآمدهایش از طریق حق قانونی و انحصاری برای انتشار پول نشان می‌دهد.

موضوع مالیات تورمی را نخستین بار فریدمن در سال ۱۹۵۳، و پس از آن، افراد زیادی از جمله جاکوب در سال ۱۹۹۳ و استرلی[1] در سال ۱۹۹۵ به کار گرفته‌اند.

۲. تعاریف مختلف مالیات تورمی

در متون مربوط به مالیات تورمی، تعریفهای مختلفی از این اصطلاح، آمده است. در این قسمت،

i. William Easterly

تعریفهای گوناگون مربوط به مالیات تورمی را بررسی می‌نماییم.[۱]

الف) فریدمن، در سال ۱۹۵۳، با در نظرگرفتن این فرض که دولت تنها عرضه‌کننده پول است و همچنین پول فاقد بهره[۲] است، درآمد دولت از چاپ پول را در حالت تعادل و در وضعیتی که دارندگان پول سریعاً میزان تورم را دریافته و خود را با آن تطبیق می‌دهند، برابر حاصل‌ضرب نرخ رشد پول در مقدار پول واقعی در دست مردم به دست آورد.

نحوه استدلال فریدمن بدین صورت است که درآمد حاصل از چاپ پول در هر زمان، برابر است با ارزش واقعی پول چاپ شده جدید در آن زمان، که آن را می‌توان به صورت رابطه زیر نشان داد:

$$R_t = \frac{dM_{1t} / d_t}{P_t} \qquad (۱)$$

در این رابطه:

R_t: درآمد واقعی دولت از چاپ پول جدید در زمان t

M_{1t}: میزان پول اسمی موجود در دست مردم

P_t: شاخص قیمتها در زمان t

می‌باشد. حال اگر نرخ پول چاپ شده به وسیله دولت در حالت تعادل، برابر با مقدار ثابت μ درنظر گرفته شود، آن‌گاه خواهیم داشت:

$$\mu = \frac{dM_{1t} / d_t}{M_{1t}} \Rightarrow dM_{1t} / d_t = \mu \cdot M_{1t} \qquad (۲)$$

با جایگزینی رابطه (۲) در رابطه (۱) می‌توان به رابطه زیر رسید:

$$R_t = \mu \cdot (\frac{M_1}{P})_t \qquad (۳)$$

در رابطه فوق، μ نرخ رشد پول، M_1 حجم اسمی پول و P سطح عمومی قیمتها می‌باشد.

ب) ویتوتنزی[۳] در سال ۱۹۷۸ و استرلی در سال ۱۹۹۵ نیز برای مالیات تورمی تعریف مشابهی، همانند تعریف فریدمن، ارائه دادند. آنها ضمن در نظرگرفتن این نکته که نرخ تورم، برابر

---

۱. در این مقاله، از تعاریفی که بدون استفاده از تابع تقاضای پول، فرمولهایی برای محاسبه مالیات تورمی ارائه داده‌اند، استفاده کرده‌ایم.

2. Non-Interest-Bearing

3. Vito Tanzi

با نرخ رشد عرضه پول است، شکل دیگری از رابطه (۳) را به صورت زیر ارائه نمودند:

$$R_t = \pi \cdot (\frac{M_1}{P})_t \qquad (۴)$$

که در رابطه فوق:

R_t: درآمد دولت از چاپ پول

π: نرخ تورم

$\frac{M_1}{P}$: تقاضای واقعی پول

می‌باشد. حال اگر اقتصاد با نرخ g رشد نماید و تقاضای واقعی پول نیز همپای آن رشد نماید و در صورتی که کشش درآمدی پول واحد فرض شود، تعریف بالا به صورت زیر ارائه می‌گردد:

$$R_t = (\pi + g) \cdot (\frac{M_1}{P})_t \qquad (۵)$$

که در رابطه فوق، g نرخ رشد واقعی اقتصاد ($g = \frac{dY_t / d_t}{Y_t}$) می‌باشد.

مارتی[1] نیز در سال ۱۹۶۷ تعریف مشابهی، همانند رابطه (۵) برای مالیات تورمی ارائه داد.

ج) استانلی فیشر[2] در سال ۱۹۸۲، مالیات تورمی را به صورت نسبت تغییر در پایه پولی به محصول ناخالص ملی اسمی تعریف کرد.

بدین ترتیب، درآمد دولت از چاپ پول به صورت درصدی از محصول ناخالص ملی اسمی به صورت زیر ارائه می‌گردد:

$$R = \frac{\Delta H}{GNP} \qquad (۶)$$

که در رابطه فوق:

R: درآمد دولت از چاپ پول

ΔH: تغییر در پایه پولی

GNP: محصول ناخالص ملی اسمی

می‌باشد.

د) بانک جهانی در سال ۱۹۸۹ مالیات تورمی را به صورت درصدی از محصول ناخالص ملی

1. Alvin Marty
2. Stanley Fischer

اسمی به صورت زیر تعریف نموده است:

$$R = \frac{\bar{M} \cdot (\pi / 1 + \pi)}{GNP} \qquad (۷)$$

که در رابطه فوق:

R : درآمد دولت از چاپ پول

$\bar{M}$: متوسط پول ذخیره (Reserve Money) در ابتدا و انتهای دوره

π: نرخ تورم

GNP : محصول ناخالص ملی اسمی

می‌باشد.

در رابطه (۷)، $\pi + 1 / \pi$ بیانگر کاهش در قدرت خرید پول در طی دوره می‌باشد. که چنگ[1]، از آن به عنوان نرخ مالیات تورمی یاد می‌نماید.

در رابطه (۷)، در مورد متغیر متوسط پول ذخیره دو برداشت وجود دارد:

ابتدا طبق نظر فیشر آن را برابر با متوسط پایه پولی قرار داده که در این صورت رابطه (۷) به صورت ذیل ارائه می‌گردد:

$$R = \frac{\bar{H} \cdot (\pi / 1 + \pi)}{GNP} \qquad (۸)$$

که در رابطه فوق $\bar{H}$ متوسط پایه پولی در ابتدا و انتهای دوره می‌باشد.

دوم آنکه متغیر متوسط پول ذخیره را همان متوسط ذخایر بانکها نزد بانک مرکزی گرفته که در این صورت، رابطه (۷) به صورت رابطه زیر ارائه می‌گردد:

$$R = \frac{\overline{RB} \cdot (\pi / 1 + \pi)}{GNP} \qquad (۹)$$

که در رابطه فوق، $\overline{RB}$ متوسط ذخایر بانکها نزد بانک مرکزی در ابتدا و انتهای دوره می‌باشد.

هـ) صندوق بین‌المللی پول، در سال ۱۹۹۲، مالیات تورمی را به صورتهای زیر تعریف می‌نماید:

۱) مالیات تورمی به عنوان درصدی از درآمدهای دولت که به صورت زیر ارائه می‌دهد:

$$R = \frac{\Delta H}{Rg} \qquad (۱۰)$$

1. Roberto Chang

که در رابطه فوق، R درآمد دولت از چاپ پول، ΔH تغییر در پایه پولی و Rg درآمدهای دولت می‌باشد.

۲) مالیات تورمی به عنوان درصدی از مخارج دولت که به صورت زیر ارائه می‌دهد:

$$R = \frac{\Delta H}{E} \qquad (۱۱)$$

که در رابطه فوق، R درآمد دولت از چاپ پول، ΔH تغییر در پایه پولی و E کل مخارج دولت می‌باشد.

۳) مالیات تورمی به عنوان درصدی از محصول ناخالص ملی اسمی که به صورت زیر ارائه می‌دهد:

$$R = \frac{\pi \cdot H}{GNP} \qquad (۱۲)$$

که در رابطه فوق، R درآمد دولت از چاپ پول، p نرخ تورم، H پایه پولی و GNP محصول ناخالص ملی اسمی می‌باشد.

۴) مالیات تورمی به عنوان درصدی از مخارج دولت که به صورت زیر ارائه می‌دهد:

$$R = \frac{\pi \cdot H}{E} \qquad (۱۳)$$

که در رابطه فوق، R درآمد دولت از چاپ پول، π نرخ تورم، H پایه پولی و E کل مخارج دولت می‌باشد.

۳. محاسبه مالیات تورمی در ایران با استفاده از تعاریف مختلف

در این قسمت، با استفاده از تعاریف مختلف ارائه شده در قسمت قبلی، مالیات تورمی در کشور را محاسبه می‌نماییم. همچنین در این قسمت، ضمن ارائه آمار مالیات تورمی برای برخی کشورهای در حال توسعه، وضعیت ایران از نظر استفاده از این منبع درآمدی دولت، با سایر کشورهای در حال توسعه مقایسه خواهد شد.

الف) محاسبه مالیات تورمی براساس تعریف فریدمن

همان طوری که اشاره کردیم، میلتون فریدمن، درآمد دولت از چاپ پول (مالیات تورمی) را به صورت رابطه (۳) تعریف می‌نماید. با استفاده از آمارهای متغیرهای موردنظر، درآمد دولت از چاپ پول برای سالهای ۱۳۵۸-۱۳۷۳ در جدول ۱ ارائه گردیده است.

جدول ۱. میزان مالیات تورمی براساس تعریف فریدمن طی سالهای ۱۳۵۸-۱۳۷۳

سال	مالیات تورمی (میلیارد ریال)	مالیات تورمی به عنوان درصدی از GNP
۱۳۵۸	۸۲۱/۸	۷/۸
۱۳۵۹	۸۳۹/۸	۸/۸
۱۳۶۰	۷۱۲/۸	۷/۶
۱۳۶۱	۸۲۵/۹	۷/۸
۱۳۶۲	۳۴۵/۵	۲/۹
۱۳۶۳	۶۱۱/۷	۵/۱
۱۳۶۴	۳۲۹/۲	۲/۷
۱۳۶۵	۵۳۹	۵/۲
۱۳۶۶	۴۶۰/۹	۴/۴
۱۳۶۷	۴۰۳/۱	۴/۳
۱۳۶۸	۴۰۲/۲	۴/۱
۱۳۶۹	۶۶۹/۱	۶/۱
۱۳۷۰	۶۰۹/۴	۴/۹
۱۳۷۱	۵۹۴/۳	۴/۶
۱۳۷۲	۱۰۶۵/۲	۷/۹
۱۳۷۳	۱۰۴۲	۷/۷

مأخذ: *گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران*. سالهای مختلف.

نتایج ارائه شده در جدول ۱، بیانگر آن است که میزان مطلق درآمد دولت از چاپ پول طی سالهای ۱۳۷۲-۱۳۷۳ در بالاترین حد خود نسبت به سایر سالهای مورد بررسی، قرار داشته است. علت نیز آن است که در این سالها (۱۳۷۲-۱۳۷۳) به واسطه حساب ذخیره تعهدات ارزی (پرداخت دولت بابت مابه‌التفاوت تغییر نرخ ارز از ۷۰ ریال به ۱۷۵۰ ریال) سطح استقراض دولت از بانک مرکزی افزایش یافته، و این امر، موجبات افزایش پایه پولی را فراهم نموده است.

همچنین نسبت مالیات تورمی به محصول ناخالص ملی، در سالهای ۱۳۵۸-۱۳۶۱ و همچنین در سالهای ۱۳۷۲-۱۳۷۳ در بیشترین مقدار خود نسبت به سایر سالهای مورد بررسی قرار داشته است.

ب) محاسبه مالیات تورمی بر اساس تعریف تنزی

همان‌طوری که اشاره کردیم ویتوتنزی درآمد دولت از چاپ پول (مالیات تورمی) را به صورت رابطه (۴) تعریف می‌نماید. بر اساس این تعریف و با استفاده از آمارهای متغیرهای مورد نظر، درآمد دولت از چاپ پول برای سالهای ۱۳۵۸-۱۳۷۳ در جدول ۲ ارائه گردیده است.

جدول ۲. میزان مالیات تورمی براساس تعریف تنزی طی سالهای ۱۳۵۸-۱۳۷۳

سال	مالیات تورمی (میلیارد ریال)	مالیات تورمی به عنوان درصدی از GNP
۱۳۵۸	۳۲۲/۴	۳/۱
۱۳۵۹	۶۶۵/۳	۶/۹
۱۳۶۰	۵۴۷/۵	۵/۸
۱۳۶۱	۵۸۴/۴	۵/۵
۱۳۶۲	۳۶۸/۲	۳/۱
۱۳۶۳	۲۷۱/۹	۲/۲
۱۳۶۴	۳۰۶/۵	۲/۵
۱۳۶۵	۸۶۲/۲	۸/۴

ادامه جدول ۲

سال	مالیات تورمی (میلیارد ریال)	مالیات تورمی به عنوان درصدی از GNP
۱۳۶۶	۷۱۴/۳	۶/۹
۱۳۶۷	۶۷۴/۸	۷/۱
۱۳۶۸	۲۱۲/۷	۲/۲
۱۳۶۹	۳۸۴/۲	۳/۵
۱۳۷۰	۶۲۸/۹	۵/۱
۱۳۷۱	۴۸۸/۳	۳/۸
۱۳۷۲	۷۴۳/۱	۵/۶
۱۳۷۳	۱۰۸۱/۱	۸

مأخذ: *گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران*. سالهای مختلف.

نتایج جدول ۲، بیانگر آن است که میزان مطلق مالیات تورمی، طی دو دوره، در حداکثر قرار داشته است. ابتدا دوره ۱۳۶۵-۱۳۶۷ و سپس دوره ۱۳۷۲-۱۳۷۳ می‌باشد. به طوری که دولت طی دوره اول سالانه بیش از ۷۰۰ میلیارد ریال درآمد از محل چاپ اسکناس تحصیل نموده است. طی دوره دوم نیز دولت، در مجموع، ۱۸۰۰ میلیارد ریال درآمد از محل چاپ اسکناس کسب نموده است. به طوری که در دوره اول (۱۳۶۵-۱۳۶۷) به سبب بالا بودن میزان کسری بودجه دولت و به دلیل جنگ و مسائل سیاسی، تنها محل تأمین کسری بودجه دولت، استقراض از بانک مرکزی بوده است. در دوره دوم (۱۳۷۲-۱۳۷۳) نیز به دلیل حساب ذخیره تعهدات ارزی میزان مالیات تورمی در حداکثر خود قرار داشته است.

ج) محاسبه مالیات تورمی براساس تعریف تنزی و مارتی

در بخش قبلی دیدیم که ویتوتنزی و الوین مارتی درآمد دولت از چاپ پول را طبق رابطه (۵) ارائه نموده‌اند. براساس این تعریف و با استفاده از آمارهای مربوط به متغیرهای موردنظر میزان مالیات تورمی برای سالهای ۱۳۵۸-۱۳۷۳ در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. رشد واقعی اقتصاد، نرخ تورم و میزان مالیات تورمی طی سالهای ۱۳۵۸-۱۳۷۳

سال	مالیات تورمی (میلیارد ریال)	مالیات تورمی به عنوان درصدی از GNP	نرخ تورم (درصد)	نرخ رشد درآمد ملی (درصد)
۱۳۵۸	۶۴۸	۶/۱	۱۱/۳	۱۰/۲
۱۳۵۹	۳۱۸	۳/۳	۲۳/۶	-۱۳/۷
۱۳۶۰	۶۶۵	۷/۱	۲۳	-۲/۴
۱۳۶۱	۱۱۳۳	۱۰/۷	۱۹/۲	۱۳/۳
۱۳۶۲	۹۱۰	۷/۶	۱۴/۸	۱۲/۲
۱۳۶۳	۳۴۹	۲/۹	۱۰/۴	-۰/۶۵
۱۳۶۴	۲۳۶	۲	۶/۹	-۰/۳۷
۱۳۶۵	۱۹۴	۱/۹	۲۳/۷	-۱۸/۱
۱۳۶۶	۹۴۴	۹/۱	۲۷/۷	۲/۱
۱۳۶۷	۶۴۱	۶/۷	۲۸/۹	-۶/۱
۱۳۶۸	۵۸۳	۵/۹	۱۷/۴	۳/۶
۱۳۶۹	۷۳۷	۶/۷	۹	۱۴/۳
۱۳۷۰	۱۰۵۶	۸/۵	۲۰/۷	۱۳/۳
۱۳۷۱	۹۴۵	۷/۲	۲۴/۴	۴/۸
۱۳۷۲	۱۰۰۲	۷/۵	۲۲/۹	۶/۴
۱۳۷۳	۱۳۲۷	۹/۸	۳۵/۲	۳/۱

مأخذ: *گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران*. سالهای مختلف.

نتایج ارائه شده در جدول ۳، بیانگر آن است که درآمد دولت از چاپ پول طی دوره ۱۳۶۳-۱۳۶۵ در حداقل خود قرار داشته است. این امر، بدان دلیل است که نرخ تورم در این سالها در کمترین حد بوده و همچنین نرخ رشد واقعی اقتصاد نیز منفی بوده است.

حداکثر درآمد دولت از چاپ پول نیز در سال ۱۳۷۳ حاصل گردیده است. علت این امر نیز به

سبب حداکثر بودن نرخ تورم در این سال نسبت به سایر سالهای مورد بررسی بیشتر بوده است. اما نکته‌ای که لازم به توضیح می‌باشد، این است که در سال ۱۳۶۷ مالیات تورمی، به رغم بالا بودن نرخ تورم، در سطح بالایی قرار ندارد. علت این امر نیز منفی بودن نرخ رشد واقعی اقتصاد در این سال (حدود منفی ۱۸ درصد) می‌باشد.

د) محاسبه مالیات تورمی براساس تعریف فیشر

دیدیم که استانلی فیشر مالیات تورمی را به صورت رابطه (۶) تعریف می‌نماید. طبق این رابطه، مالیات تورمی براساس درصدی از محصول ناخالص ملی اسمی محاسبه می‌شود که این امر در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. مالیات تورمی به صورت درصد از محصول ناخالص ملی طی دوره ۱۳۵۸-۱۳۷۳

سال	مالیات تورمی (درصدی از GNP)
۱۳۵۸	۵/۴
۱۳۵۹	۶/۷
۱۳۶۰	۷/۸
۱۳۶۱	۷/۵
۱۳۶۲	۲/۶
۱۳۶۳	۳/۳
۱۳۶۴	۴/۳
۱۳۶۵	۷/۱
۱۳۶۶	۷/۴
۱۳۶۷	۸/۹
۱۳۶۸	۲/۹

ادامه جدول ۴

سال	مالیات تورمی (درصدی از GNP)
۱۳۶۹	۱/۱
۱۳۷۰	۳/۲
۱۳۷۱	۳/۲
۱۳۷۲	۳/۹
۱۳۷۳	۴/۶

مأخذ: *گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران*. سالهای مختلف.

نتایج جدول ۴، بیانگر آن است که میزان مالیات تورمی (به عنوان درصدی از محصول ناخالص ملی) در سال ۱۳۶۷ نسبت به سایر سالهای مورد بررسی بیشتر بوده است، به طوری که در سال ۱۳۶۷، محصول ناخالص ملی، بالاترین رقم کسری بودجه طی دوره مورد بررسی وجود داشته است. در این سال، حدود ۹۵/۳ درصد این کسری، از محل استقراض دولت از بانک مرکزی تأمین مالی شده است. این نکته، بیانگر آن است که در این سال، انتشار پول پرقدرت به منظور تأمین مالی هزینه‌های دولت در حد بالایی صورت گرفته، و به همین منظور، بالاترین درصد مربوط به مالیات تورمی (حدود ۸/۹ درصد از محصول ناخالص ملی اسمی) در این سال وجود داشته است.

ه) محاسبه مالیات تورمی براساس تعریف بانک جهانی

پیشتر اشاره کردیم که بانک جهانی، در سال ۱۹۸۹، مالیات تورمی را به صورت رابطه (۷) تعریف نموده است. با توجه به برداشتهای متفاوت از متغیر متوسط پول ذخیره، رابطه (۷) به دو شکل در رابطه (۸) و (۹) ارائه گردید. با استفاده از این رابطه‌ها، مالیات تورمی در کشور طی دوره ۱۳۵۸-۱۳۷۳ براساس جدول ۵ می‌باشد.

جدول ۵. مالیات تورمی به عنوان درصدی از محصول ناخالص ملی اسمی طی دوره ۱۳۵۸-۱۳۷۳

سال	مالیات تورمی به عنوان درصدی از GNP $(\frac{\bar{H}(\frac{\pi}{1+\pi})}{GNP})$	مالیات تورمی به عنوان درصدی از GNP $(\frac{\bar{RB}(\frac{\pi}{1+\pi})}{GNP})$
۱۳۵۸	۲۰/۳	۶/۱
۱۳۵۹	۲۵/۴	۸/۴
۱۳۶۰	۲۷/۴	۱۰/۸
۱۳۶۱	۲۷/۲	۱۲/۵
۱۳۶۲	۲۵/۱	۱۱/۶
۱۳۶۳	۲۴/۶	۱۱/۷
۱۳۶۴	۲۵/۴	۱۳
۱۳۶۵	۳۲/۵	۱۷/۵
۱۳۶۶	۳۳	۱۸/۸
۱۳۶۷	۳۷/۲	۲۲/۴
۱۳۶۸	۳۴	۲۱
۱۳۶۹	۲۶	۱۵/۶
۱۳۷۰	۲۱/۷	۱۲/۸
۱۳۷۱	۱۹/۴	۱۱/۶
۱۳۷۲	۱۷/۱	۱۰/۱
۱۳۷۳	۱۵/۹	۹/۴

مأخذ: *گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران*. سالهای مختلف.

همچنین در جدول ۶ میزان مالیات تورمی به عنوان درصدی از محصول ناخالص ملی برای ۴۲ کشور در حال توسعه طی سالهای ۱۹۶۲-۱۹۸۵ برای مقایسه ارائه شده است.

جدول ۶. میزان مالیات تورمی به عنوان درصدی از محصول ناخالص ملی $\left(\frac{\bar{M} \cdot \left(\frac{\pi}{1+\pi}\right)}{GNP}\right)$ طی سالهای ۱۹۶۲-۱۹۸۵

نام کشور	۱۹۶۲-۱۹۸۵	۱۹۶۲-۱۹۷۳	۱۹۷۴-۱۹۸۵
۱. یوگسلاوی	۳/۷۸	۲/۳۸	۵/۱۹
۲. اوروگوئه	۳/۳۴	۳/۷۱	۲/۹۶
۳. مالت	۲/۹۳	۱/۶	۴/۲۵
۴. پرو	۲/۸۹	۰/۹	۴/۸۷
۵. پرتغال	۲/۷۷	۱/۳۱	۴/۲۳
۶. غنا	۲/۳۹	۰/۸۵	۳/۹۳
۷. مصر	۲/۲۸	۰/۷۹	۳/۷۷
۸. برزیل	۲/۰۷	۲/۴۶	۱/۶۸
۹. مکزیک	۱/۸۸	۰/۲۸	۳/۴۸
۱۰. بولیوی	۱/۸۵	۰/۶۹	۳/۰۲
۱۱. ترکیه	۱/۸۴	۰/۷۷	۲/۹۲
۱۲. سودان	۱/۷۶	۰/۴۱	۳/۱۲
۱۳. یونان	۱/۶	۰/۴۹	۲/۷۲
۱۴. کلمبیا	۱/۳۴	۰/۸۵	۱/۸۴
۱۵. برمه	۱/۳	۱/۱	۱/۵۱
۱۶. کنیا	۱/۲۸	۰/۲۸	۲/۲۷
۱۷. کاستاریکا	۱/۲۲	۰/۳۲	۲/۱۱
۱۸. پاکستان	۱/۱۵	۰/۹۵	۱/۳۵
۱۹. قبرس	۱/۰۸	۰/۳۸	۱/۷۸
۲۰. اکوادور	۱/۰۳	۰/۵۹	۱/۴۸
۲۱. کره	۰/۹۳	۰/۸۱	۱/۰۵
۲۲. السالوادور	۰/۹۲	۰/۱۷	۱/۶۸

ادامه جدول ۶

نام کشور	۱۹۸۵-۱۹۶۲	۱۹۷۳-۱۹۶۲	۱۹۸۵-۱۹۷۴
۲۳. جامائیکا	۰/۹	۰/۳۱	۱/۴۹
۲۴. پاراگوئه	۰/۸۹	۰/۳۲	۱/۴۵
۲۵. نیجریه	۰/۸۸	۰/۲۷	۱/۴۹
۲۶. هند	۰/۸	۰/۷۶	۰/۸۵
۲۷. مراکش	۰/۸	۰/۳۲	۱/۲۸
۲۸. هائیتی	۰/۷۶	۰/۳۷	۱/۱۵
۲۹.جمهوری‌دومینیکن	۰/۷۴	۰/۴۱	۱/۰۸
۳۰. فیلیپین	۰/۶۹	۰/۵۳	۰/۸۴
۳۱. ترینیدادوتوباگو	۰/۶۸	۰/۲۳	۱/۱۲
۳۲. سریلانکا	۰/۶۵	۰/۴۴	۰/۸۶
۳۳. ونزوئلا	۰/۶	۰/۱۴	۱/۰۷
۳۴. فیجی	۰/۵۴	۰/۴	۰/۶۸
۳۵. تانزانیا	۰/۵۳	۰/۳۱	۰/۷۶
۳۶. نپال	۰/۵۱	۰/۳۳	۰/۶۸
۳۷. گواتمالا	۰/۴۹	۰/۱۵	۰/۸۳
۳۸. تایلند	۰/۴۷	۰/۳	۰/۶۴
۳۹. کنگو	۰/۴۷	۰/۲۸	۰/۶۶
۴۰. مالزی	۰/۴۳	۰/۲۳	۰/۶۳
۴۱. هندوراس	۰/۳۹	۰/۱۹	۰/۵۹
۴۲. آفریقای جنوبی	۰/۳۸	۰/۲۳	۰/۵۴

مأخذ: *Applied Financial Economic.* 1993. 3. pp. 314.

نتایج ارائه شده در جدول ۵، حاکی آن است که براساس هر دو روش محاسبه، در سال ۱۳۶۷، مالیات تورمی نسبت به محصول ناخالص ملی اسمی در حداکثر خود قرار دارد. این امر، همان‌طوری که پیشتر اشاره شده، به سبب وجود کسری بودجه بالا در این سال و تأمین مالی بیش از

۹۵ درصد آن از محل استقراض از بانک مرکزی می‌باشد. یک مقایسه گذرا بین جدول ۵ و ۶ (مقایسه کامل بین دو جدول به دلیل برداشت متفاوت از پول ذخیره ممکن نمی‌باشد) نشانگر آن است که ایران در مقایسه با ۴۲ کشور در حال توسعه دیگر، از لحاظ میزان مالیات تورمی در مقام نخست قرار دارد. و این نکته، بیان‌کننده آن است که دولت از حق‌الضرب پول برای تأمین مالی کسری بودجه خود بیش از اندازه استفاده نموده است.

و) محاسبه مالیات تورمی براساس تعریف صندوق بین‌المللی پول

اشاره کردیم که صندوق بین‌المللی پول چهار تعریف برای مالیات تورمی ارائه نموده است. اما در اینجا تنها از تعریفی که در رابطه (۱۰) ارائه شده، استفاده می‌کنیم. علت انتخاب این تعریف از بین تعاریف چهارگانه ارائه شده، آن است که محاسبه مالیات تورمی براساس این تعریف، امکان مقایسه مالیات تورمی در ایران را با مالیات تورمی در سایر کشورهای جهان که در جدول ۸ ارائه شده، فراهم می‌نماید. جدول ۷، مالیات تورمی را طی دوره ۱۳۵۸-۱۳۷۳ براساس تعریف صندوق بین‌المللی پول ارائه می‌نماید.

جدول ۷. مالیات تورمی به عنوان درصدی از درآمد دولت طی دوره ۱۳۵۸-۱۳۷۳

سال	نرخ تورم (درصد)	مالیات تورمی (درصد از درآمد دولت)
۱۳۵۸	۱۱/۳	۱۸/۷
۱۳۵۹	۲۳/۶	۳۳
۱۳۶۰	۲۳	۳۴/۶
۱۳۶۱	۱۹/۲	۳۳/۱
۱۳۶۲	۱۴/۸	۱۲/۵
۱۳۶۳	۱۰/۴	۱۷/۷
۱۳۶۴	۶/۹	۲۵/۳
۱۳۶۵	۲۳/۷	۶۷/۵

ادامه جدول ۷

سال	نرخ تورم (درصد)	مالیات تورمی (درصد از درآمد دولت)
۱۳۶۶	۲۷/۷	۶۸/۲
۱۳۶۷	۲۸/۹	۹۴/۸
۱۳۶۸	۱۷/۴	۲۴/۹
۱۳۶۹	۹	۷/۱
۱۳۷۰	۲۰/۷	۲۳/۲
۱۳۷۱	۲۴/۴	۲۱/۷
۱۳۷۲	۲۲/۹	۱۷/۵
۱۳۷۳	۳۵/۲	۲۰/۳

مأخذ: *گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران*. سالهای مختلف.

همچنین در جدول ۸ مالیات تورمی (درصد از درآمد دولت) برای ۷۹ کشور جهان طی سالهای ۱۹۷۱-۱۹۸۲ ارائه شده است.

جدول ۸. میانگین نرخ تورم و میزان مالیات تورمی به عنوان درصدی از درآمد دولت طی دوره ۱۹۷۱-۱۹۸۲

نام کشور	نرخ تورم (درصد)	مالیات تورمی (درصد از درآمد دولت)
۱. استرالیا	۱۰/۴	۳
۲. اتریش	۶/۲	۲/۷
۳. بلژیک	۷/۵	۱/۸
۴. بولیوی	۳۰/۳	۲۱/۶
۵. بوتسوانا	۱۱/۴	۳/۶
۶. برزیل	۴۷/۴	۱۷/۷
۷. برمه	۹/۹	۱۵/۲
۸. بروندی	۱۲/۱	۶/۴

ادامه جدول ۸

نام کشور	نرخ تورم (درصد)	مالیات تورمی (درصد از درآمد دولت)
۹. کامرون	۱۰/۸	۵/۱
۱۰. کانادا	۸/۶	۳
۱۱. جمهوری آفریقای مرکزی	۱۰/۵	۲۰
۱۲. چاد	۱۰/۱	۹
۱۳. شیلی	۱۴۷/۶	۱۷/۵
۱۴. کلمبیا	۲۲	۱۷/۱
۱۵. کنگو	۹/۷	۴/۶
۱۶. ساحل عاج	۱۱/۵	۱/۱
۱۷. دانمارک	۱۰	۰/۷
۱۸. دومینیکن	۱۰	۶/۷
۱۹. اکوادور	۱۳/۲	۱۴/۴
۲۰. السالوادور	۱۱/۲	۱۱/۴
۲۱. اتیوپی	۹	۹/۶
۲۲. فنلاند	۱۱/۲	۱/۶
۲۳. فرانسه	۱۰/۱	۲/۱
۲۴. گابن	۱۲	۳/۶
۲۵. آلمان	۵/۲	۲/۵
۲۶. غنا	۴۷/۸	۲۸
۲۷. یونان	۱۵/۸	۱۴/۶
۲۸. هندوراس	۸/۳	۵/۸
۲۹. هند	۸/۴	۱۳/۱
۳۰. اندونزی	۱۶/۷	۹
۳۱. ایران	۱۴/۳	۱۲/۹
۳۲. ایرلند	۱۴/۵	۵/۸
۳۳. ایتالیا	۱۴/۷	۱۲/۴

ادامه جدول ۸

نام کشور	نرخ تورم (درصد)	مالیات تورمی (درصد از درآمد دولت)
۳۴. جامائیکا	۱۷	۴/۷
۳۵. ژاپن	۸/۲	۸/۳
۳۶. اُردن	۱۰/۷	۲۰/۹
۳۷. کنیا	۱۲/۷	۴/۵
۳۸. کویت	۸/۹	۲/۶
۳۹. لائوس	۰/۱	۲/۴
۴۰. مالزی	۶/۲	۷/۳
۴۱. موریتانی	۰/۱	۳
۴۲. موریس	۱۴/۶	۱۰/۶
۴۳. مکزیک	۲۱/۲	۲۳/۹
۴۴. مراکش	۹	۷/۳
۴۵. ایرلند شمالی	۷/۱	۱/۱
۴۶. زلاند نو	۱۳	۱/۶
۴۷. نیکاراگوئه	۱۶/۸	۸/۸
۴۸. نیجر	۱۲/۲	۹/۴
۴۹. نیجریه	۱۵/۵	۷/۲
۵۰. نروژ	۹	۲/۱
۵۱. عمان	۹/۳	۴/۴
۵۲. پاکستان	۱۲/۰	۱۲/۸
۵۳. گینه پاپوا	۸/۶	۰/۴
۵۴. پاراگوئه	۱۲/۸	۱۵/۴
۵۵. پرو	۳۸/۲	۲۰/۷
۵۶. فیلیپین	۱۴/۳	۶/۷
۵۷. پرتغال	۱۸/۸	۱۶/۶
۵۸. رواندا	۱۲/۵	۱۰/۳
۵۹. آفریقای جنوبی	۱۱/۳	۲/۸

ادامه جدول ۸

نام کشور	نرخ تورم (درصد)	مالیات تورمی (درصد از درآمد دولت)
۶۰. سیرالئون	۱۳/۷	۹/۵
۶۱. سنگاپور	۶/۶	۸/۸
۶۲. سومالی	۱۸/۸	۱۵/۴
۶۳. اسپانیا	۱۴/۹	۹/۱
۶۴. سریلانکا	۹/۸	۷/۱
۶۵. سودان	۱۸/۷	۱۶/۹
۶۶. سوئد	۹/۴	۲/۲
۶۷. تانزانیا	۱۶/۴	۹/۳
۶۸. تایلند	۹/۸	۷/۹
۶۹. توگو	۱۱/۱	۱۰/۳
۷۰. ترینیداد	۱۳	۴/۲
۷۱. تونس	۶/۹	۴/۹
۷۲. ترکیه	۳۳/۶	۱۵/۳
۷۳. اوگاندا	۳۴/۳	۲۴/۸
۷۴. بریتانیا	۱۳/۲	۱/۷
۷۵. ایالات متحده	۷/۹	۲/۳
۷۶. ونزوئلا	۹/۲	۵/۷
۷۷. زئیر	۴۲/۸	۱۵/۵
۷۸. زامبیا	۱۱/۵	۲/۶
۷۹. زیمباوه	۸/۳	۴

مأخذ: *American Economic Review*. June 1992. Vol. 32. pp. 538-539.

نتایج ارائه شده در جدول ۷، نشانگر آن است که حداکثر میزان مالیات تورمی (درصد از درآمد دولت) در سال ۱۳۶۷ حاصل شده است. در این سال دولت تقریباً (حدود ۹۵ درصد) به اندازه درآمدهای عمومی خود، از محل استقراض از بانک مرکزی و چاپ اسکناس درآمد تحصیل نموده است.

تا به اینجا تمام روشهای محاسبه مالیات تورمی را ارائه کردیم. اکنون برای مقایسه نتایج روشهای مختلف ارائه شده، جدول ۹ را ببینید. همچنین نمودار ۱، براساس شش روش ارائه شده مالیات تورمی به عنوان درصدی از محصول ناخالص ملی در جدول ۹ ارائه شده است.

جدول ۹. مالیات تورمی طی دوره ۱۳۵۸-۱۳۷۳

سال	به عنوان درصدی از محصول ناخالص ملی						به‌عنوان درصدی ازدرآمددولت
	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)	(۶)	(۷)
۱۳۵۸	۷/۸	۳/۱	۶/۱	۵/۴	۲۰/۳	۶/۱	۱۸/۷
۱۳۵۹	۸/۸	۶/۹	۳/۳	۶/۷	۲۵/۴	۸/۴	۳۳
۱۳۶۰	۷/۶	۵/۸	۷/۱	۷/۸	۲۷/۴	۱۰/۸	۳۴/۶
۱۳۶۱	۷/۸	۵/۵	۱۰/۷	۷/۵	۲۷/۲	۱۲/۵	۳۳/۱
۱۳۶۲	۲/۹	۳/۱	۷/۶	۲/۶	۲۵/۱	۱۱/۶	۱۲/۵
۱۳۶۳	۵/۱	۲/۲	۲/۹	۳/۳	۲۴/۶	۱۱/۷	۱۷/۷
۱۳۶۴	۲/۷	۲/۵	۲	۴/۳	۲۵/۴	۱۳	۲۵/۳
۱۳۶۵	۵/۲	۸/۴	۱/۹	۷/۱	۳۲/۵	۱۷/۵	۶۷/۵
۱۳۶۶	۴/۴	۶/۹	۹/۱	۷/۴	۳۳	۱۸/۸	۶۸/۲
۱۳۶۷	۴/۳	۷/۱	۶/۷	۸/۹	۳۷/۲	۲۲/۴	۹۴/۸
۱۳۶۸	۴/۱	۲/۲	۵/۹	۲/۹	۳۴	۲۱	۲۴/۹
۱۳۶۹	۶/۱	۳/۵	۶/۷	۱/۱	۲۶	۱۵/۶	۷/۱
۱۳۷۰	۴/۹	۵/۱	۸/۵	۳/۲	۲۱/۷	۱۲/۸	۲۳/۲
۱۳۷۱	۴/۶	۳/۸	۷/۲	۳/۲	۱۹/۴	۱۱/۶	۲۱/۷
۱۳۷۲	۷/۹	۵/۶	۷/۵	۳/۹	۱۷/۱	۱۰/۱	۱۷/۵
۱۳۷۳	۷/۷	۸	۹/۸	۴/۶	۱۵/۹	۹/۴	۲۰/۳

(۱) براساس تعریف فریدمن $(R = \mu \cdot \frac{M_1}{P})$

(۲) براساس تعریف تنزی $(R = \pi \cdot \frac{M_1}{P})$

(۳) براساس تعریف تنزی و مارتی $(R = (\pi + g) \cdot \frac{M_1}{P})$

(۴) براساس تعریف فیشر $(R = \frac{\Delta H}{GNP})$

(۵) براساس تعریف بانک جهانی $(R = \frac{\overline{H} \cdot (\pi / 1 + \pi)}{GNP})$

(۶) براساس تعریف بانک جهانی $(R = \frac{\overline{RB} \cdot (\pi / 1 + \pi)}{GNP})$

(۷) براساس تعریف صندوق بین‌المللی پول $(R = \frac{\Delta H}{Rg})$

نمودار ۱

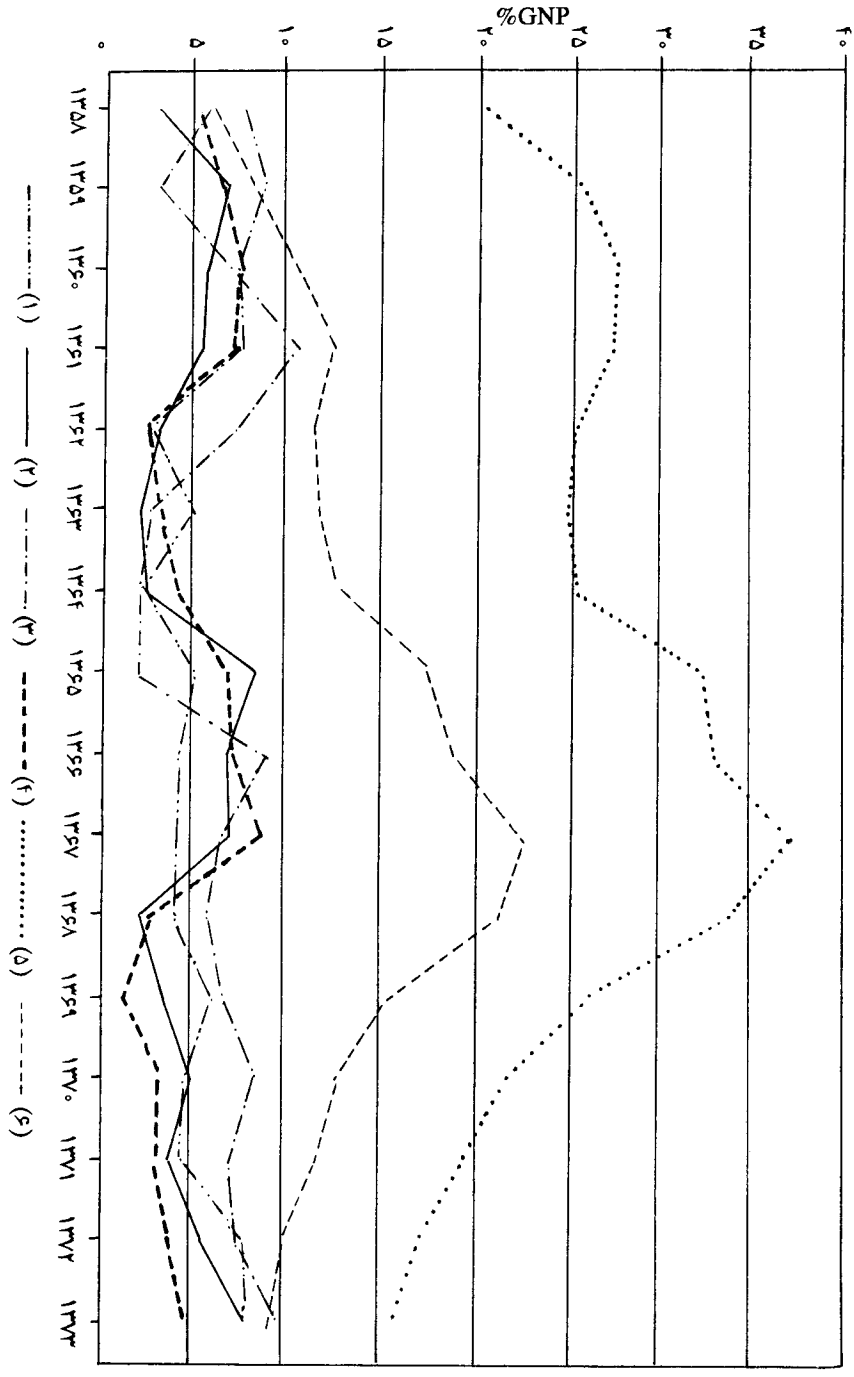
%GNP
۴۰
۳۵
۳۰
۲۵
۲۰
۱۵
۱۰
۵
۰
۱۳۵۸
۱۳۵۹
۱۳۶۰
۱۳۶۱
۱۳۶۲
۱۳۶۳
۱۳۶۴
۱۳۶۵
۱۳۶۶
۱۳۶۷
۱۳۶۸
۱۳۶۹
۱۳۷۰
۱۳۷۱
۱۳۷۲
۱۳۷۳
(۱)
(۲)
(۳)
(۴)
(۵)
(۶)

۴. نتیجه گیری

موضوع مورد بررسی در این مقاله، محاسبه میزان مالیات تورمی و هزینه‌های خالص تورمی طی دوره ۱۳۵۸-۱۳۷۳ می‌باشد. فرضیه مربوط به موضوع از آنجا شکل گرفته که در ایران، دولت درصدی از کسری بودجه خود را از طریق استقراض از بانک مرکزی تأمین مالی نموده است. این امر، به مثابه افزایش در پایه پولی است، و در نتیجه، افزایش حجم پول را به دنبال داشته است. افزایش حجم پول از طریق سازوکار چاپ اسکناس، دارای آثار اقتصادی فراوانی می‌باشد که یکی از اثرهای این سیاست، مالیات تورمی می‌باشد که در این مقاله به آن پرداختیم.

به طور کلی، نتایج حاصل از این بررسی بیانگر آن است که در سالهای ۱۳۶۷ و ۱۳۷۳ با بیشترین مقدار مالیات تورمی رو به رو هستیم. به طوری که در سال ۱۳۶۷ مالیات تورمی حدود ۹ درصد از محصول ناخالص ملی را تشکیل داده است. این امر، بدان دلیل است که طی دوره مورد بررسی، بالاترین رقم کسری در سال ۱۳۶۷ وجود داشته است، به نحوی که در این سال، حدود ۹۵/۳ درصد از کسری بودجه دولت از محل استقراض از بانک مرکزی تأمین مالی شده است.

همچنین در سال ۱۳۷۳، تغییر در نرخ رسمی ارز، و به دنبال آن، حساب ذخیره تعهدات ارزی، موجب شده که استقراض دولت از بانک مرکزی افزایش یابد، و بنابراین، میزان مالیات تورمی (درآمد دولت از محل چاپ اسکناس)، نسبت به سایر سالهای مورد بررسی، بیشتر باشد.

۵. پیشنهادها و توصیه‌های سیاستی

در اقتصاد ایران، به دلیل جنگ تحمیلی، و در سالهای اخیر به سبب اجرای برنامه‌های اقتصادی، مخارج دولت افزایش چشمگیری داشته است. ولی متأسفانه درآمدهای دولت، به علت نارسایی نظام مالیاتی و همچنین تغییرات قیمت نفت، هرگز با مخارج دولت تطبیق نیافته است. بنابراین، بودجه دولت در سالهای اخیر، همواره دچار کسری بوده، به طوری که این کسری عمدتاً از محل استقراض از بانک مرکزی تأمین مالی گردیده است. این مسئله نیز به نوبه خود موجب افزایش حجم پول و تشدید تورم در جامعه بوده است.

بنابراین، با توجه به تحلیل مختصر اشاره شده، توصیه‌های سیاستی زیر ارائه می‌گردد:

۱. استقراض از بانک مرکزی و تأمین کسری بودجه از این محل، از یک سوی، برای دولت ایجاد درآمد می‌نماید، و از سوی دیگر، به دلیل ایجاد تورم، هزینه‌هایی را بر جامعه تحمیل می‌کند.

در نهایت، استفاده بیش از اندازه دولت از این منبع درآمدی، ممکن است اثر منفی استفاده از این منبع درآمدی و هزینه‌های حاصل از آن، بر منافع آن غلبه یافته، و در مجموع، زیان آن به جامعه باز گردد. بنابراین، لازم است دولت حد اعتدال را در استفاده از این منبع تأمین کسری بودجه رعایت کند و به هزینه‌هایی که از این ناحیه به جامعه تحمیل می‌شود، توجه نماید.

۲. به دلیل دسترسی آسان دولت به این منبع درآمدی، دولت در انجام هزینه‌های خود تا سقف درآمدها دارای محدودیت نبوده است. به نظر می‌رسد که در نظر گرفتن محدودیتهایی در استفاده از این منبع برای سلامت اقتصاد کشور حیاتی است. این نیز مستلزم استقلال نسبی مقامات بانک مرکزی در تصمیمات در زمینه سیاست پولی است.

۳. با توجه به اثر نامطلوب مالیات تورمی، ضروری است در جهت بهبود وضعیت منابع درآمدی دولت، به ویژه از محل مالیات، اقدماتی صورت گیرد. به بیان دیگر، چون به طور بالقوه، درآمدهای حاصل از گردآوری مالیات، یکی از منابع مهم درآمدی دولت می‌باشد، لازم است در جهت بهبود نظام مالیاتی کشور و کاهش وقفه در گردآوری مالیات، اقداماتی صورت گیرد.

۴. نتایج این بررسی، بیانگر آن است که در دوره مورد مطالعه، سیاست پولی (انتشار پول) به‌طور مستقل و همگون با نرخ رشد اقتصاد انجام نگرفته و این سیاست مالی بوده که تعیین‌کننده سیاست پولی بوده است. بنابراین، روند سیاست مالی باید به صورتی شکل گیرد که زمینه را برای اجرای سیاست پولی نسبتاً مستقل از سیاست مالی فراهم نماید.

۵. عدم اصلاح در روند سیاست مالی، و به دنبال آن سیاست پولی، به لحاظ پیامدهای تورمی، در جامعه‌ای که عملاً توزیع نسبتاً غیرعادلانه درآمد وجود دارد، این توزیع را بدتر می‌نماید، و بنابراین، موجب بدتر شدن وضعیت قشرهای آسیب‌پذیر جامعه خواهد شد. این امر با سیاستهای اخیر دولت در مورد فقرزدایی، و در پی آن، تهیهٔ لایحه مربوط به فقرزدایی، که هدف آن کمک به قشرهای آسیب‌پذیر جامعه، از طریق مبارزه با تورم می‌باشد، همخوانی ندارد، و بدین روی، لازم است که نرخ رشد پولی متناسب با نرخ رشد واقعی اقتصاد تعیین گردد.

۶. معرفی متغیرهای مورد استفاده و اطلاعات آماری آنها. متغیرهای مورد استفاده که اطلاعات آنها ارائه می‌شود، دارای مصادیق و تعاریفی به شرح زیر می‌باشند:

Y = درآمد ملی به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱

GNP = محصول ناخالص ملی اسمی

M_1 = حجم اسمی پول

P = شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱

π = نرخ تورم

H = پایه پولی

Rg = درآمد دولت

$\bar{H}$ = متوسط پایه پولی در ابتدا و انتهای دوره

$\overline{RB}$ = متوسط ذخایر بانکها نزد بانک مرکزی در ابتدا و انتهای دوره.

سال	π	P	M_1	GNP	Y
۱۳۵۸	۱۱/۳	۵۵/۲	۱۶۶۵/۸	۱۰۵۷۴/۱	۹۵۳۸/۳
۱۳۵۹	۲۳/۶	۶۸/۲	۲۲۰۳/۳	۹۵۵۹/۶	۸۲۳۲/۱
۱۳۶۰	۲۳	۸۳/۹	۲۷۰۷/۵	۹۳۴۵/۷	۸۰۳۵
۱۳۶۱	۱۹/۲	۱۰۰	۳۴۸۳/۹	۱۰۵۳۹/۸	۹۹۰۷/۳
۱۳۶۲	۱۴/۸	۱۱۴/۸	۳۸۶۹/۶	۱۱۹۳۹	۱۰۲۲۰
۱۳۶۳	۱۰/۴	۱۲۶/۷	۴۵۵۷/۶	۱۲۰۴۷/۸	۱۰۱۵۴/۶
۱۳۶۴	۶/۹	۱۳۵/۴	۴۹۲۳/۶	۱۲۰۵۷/۶	۱۰۱۱۶/۹
۱۳۶۵	۲۳/۷	۱۶۷/۵	۵۸۱۱/۱	۱۰۲۵۰/۷	۸۲۸۵
۱۳۶۶	۲۷/۷	۲۱۳/۹	۶۷۷۶/۷	۱۰۳۵۹/۲	۸۴۶۰/۵
۱۳۶۷	۲۸/۹	۲۷۵/۷	۷۷۵۸/۱	۹۴۵۱/۱	۷۹۴۳/۷
۱۳۶۸	۱۷/۴	۳۲۳/۸	۸۹۸۷/۲	۹۷۹۷	۸۲۲۶/۵
۱۳۶۹	۹	۳۵۲/۸	۱۱۹۵/۲	۱۰۹۹۷/۵	۹۴۰۰/۴
۱۳۷۰	۲۰/۷	۴۲۵/۸	۱۳۶۴۰/۸	۱۳۳۷۷/۹	۱۰۶۵۳/۷
۱۳۷۱	۲۴/۴	۵۲۹/۵	۱۶۳۶۸/۶	۱۲۹۸۵/۶	۱۱۱۶۱/۸
۱۳۷۲	۲۲/۹	۶۴۹/۱	۲۲۴۱۲/۷	۱۳۳۷۰/۸	۱۱۸۸۰/۷
۱۳۷۳	۳۵/۲	۸۷۷/۵	۳۰۴۳۱/۸	۱۳۵۸۲/۳	۱۲۲۴۷/۷

مأخذ: *گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران*. سالهای مختلف.

سال	RB	H	Rg	H
۱۳۵۸	۴۱۰/۴	۱۳۷۷	۱۷۹۱/۲	۱۵۴۴/۳
۱۳۵۹	۵۸۱	۱۷۶۶/۸	۱۳۴۸/۷	۱۹۸۹/۴
۱۳۶۰	۹۰۷/۷	۲۳۰۴/۳	۱۸۲۱/۴	۲۶۱۹/۱
۱۳۶۱	۱۳۸۴/۴	۳۰۱۲/۵	۲۳۷۵/۷	۳۴۰۵/۹
۱۳۶۲	۱۶۶۳/۱	۳۵۷۹/۸	۲۷۷۳/۷	۳۷۵۳/۷
۱۳۶۳	۱۹۰۰/۸	۳۹۹۴/۴	۲۷۱۴/۸	۴۲۳۵/۲
۱۳۶۴	۲۳۴۳/۶	۴۵۷۲/۲	۲۶۶۶/۲	۴۹۰۹/۲
۱۳۶۵	۲۹۵۸/۵	۵۴۸۵/۷	۱۷۰۷/۳	۶۰۶۲/۱
۱۳۶۶	۳۸۷۹/۸	۶۸۰۲/۱	۲۱۷۱/۵	۷۵۴۲
۱۳۶۷	۵۱۴۸/۵	۸۵۳۰/۸	۲۰۸۵/۴	۹۵۱۹/۵
۱۳۶۸	۶۱۰۹/۲	۹۹۱۵/۱	۳۱۷۴/۶	۱۰۳۱۰/۶
۱۳۶۹	۶۳۱۷/۴	۱۰۵۱۱/۲	۵۶۳۲/۵	۱۰۷۱۱/۷
۱۳۷۰	۶۸۰۰/۶	۱۱۵۱۴/۸	۶۹۳۳/۵	۱۲۳۱۷/۹
۱۳۷۱	۷۹۹۰/۴	۱۳۳۹۲/۳	۹۸۸۴/۵	۱۴۴۶۶/۷
۱۳۷۲	۹۵۸۷/۴	۱۶۲۳۷/۱	۲۰۲۵۰/۷	۱۸۰۰۷/۴
۱۳۷۳	۱۲۳۹۸/۹	۲۰۹۷۱/۳	۲۹۲۴۴/۵	۲۳۹۳۵/۲

مأخذ: *گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران*. سالهای مختلف.

منابع

الف) فارسی

۱. طبیبیان، محمد (۱۳۶۳). *تحلیل اقتصادی کلان*. دانشگاه صنعتی اصفهان.

۲. طیب‌نیا، علی (۱۳۷۴). *تئوریهای تورم با نگاهی به فرایند تورم در ایران*. انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.

۳. کمیجانی، اکبر (۱۳۷۳). *سیاستهای پولی مناسب در جهت تثبیت فعالیتهای اقتصادی*. معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصاد و دارایی.

۴. نیلی، مسعود (۱۳۶۴). بررسی آثار افزایش حجم پول بر نظام اقتصادی کشور در دو دهه اخیر. *فصلنامه برنامه و توسعه*. شماره سوم.

ب) انگلیسی

5. Chang, Roberto (November 1994). Endogenous Currency Substitution Inflationary Finance, and Welfare. *Journal of Mony Credit and Banking.*

6. Easterly, William R., Mauro Paolo; and Schmidt-Hebbel Klaus (May 1995). Mony Demand and Seigniorage - Maximizing Inflation. *Journal of Mony Credit and Banking.*

7. Fischer, Stanley (1982). Seigniorage and the Case for a National Mony. *Journal of Political Economy.*

8. Fridman, Milton (1953). Discussion of the Inflationary Gap. *Essays In Positive Economics.* University of Chicago Press.

9. Jakob De Haan, et al. (1993). Seigniorage in Developing Countries. *Applied Financial Economic.*

10. Marty, Alvin (February 1967). Growth and the Welfare Cost of Inflationary Finance. *Journal of Political Economy.*

11. Tanzi, Vito (1978). *Inflation, Real Tax Revenue, and the Case Fore Inflationary Finance: Theory and Application to Argentina.* International monetary Fund Staff Paper.

12. World Bank (1989). *World Development Report.*